



# عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

Jonathan Sacks  
THE RABBI SACKS LEGACY

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نکوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخهء تفسیر توراہ ربای خیم شیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توراہ، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آن در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونهء زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند." - ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

## تفسیر هفتگی توراہ

Fire: Holy and Unholy

Shemini

آتش: مقدس و نامقدس

شمینی

ضربه ای بزرگ در راه است. هفته ها و چندین باب توراہ به بیان طولانی ترین پیشدرآمد و آمادگی برای لحظه ای گذشته که خدا جلال خود را برای سکونت در میان قوم نازل خواهد کرد. پنج پاراشا (تروما، تتساوه، کی تيسا، ويخل و پکوده) به شرح دستورعمل ها برای ساختن محراب پرداخته اند. دو پاراشای بعدی، (وییکرا و تراو) به جزئیات پیشکش های قربانی برای آن می پردازند. اینک همه چیز حاضر است. به مدت هفت روز کوهنیم (اهرون و پسرانش) به انجام این وظیفه مشغول بوده اند. اینک روز هشتم فرارسیده و مراسم میشکان یا محراب در حال آغاز است. کل مردم سهم خود را در ساختن آنچه خانه ای دیدنی جلال الهی در روی زمین خواهد بود، ادا کرده اند. با آیه ای ساده و تأثیر گزار، رویداد به اوج می رسد:

موسی و اهرون به درون خیمه‌ی عهد رفتند و وقتی بیرون آمدند، مردم را برکت کردند، جلال الهی سپس به تمام مردم پدیدار شد. لاویان ۹:۲۳

درست زمانی که می‌پنداریم همه چیز ختم به خیر شده، صحنه‌ای وحشتناک رخ می‌دهد:

پسران اهرون، ناداو و ابیهو، آتشدان‌های خود را برگرفتند، در آنها آتش نهادند و عود افزودند؛ و آنها آتش غیرمجاز به پیشگاه الهی آوردند که خدا به آن دستور نداده بود. آتش از پیشگاه الهی برجهید و آنها را سوزاند تا در برابر خدا مردند. موسی سپس به اهرون گفت: "منظور خدا این بود وقتی گفت: در میان کسانی که به من نزدیک می‌شوند، خود را مقدس نشان خواهم داد؛ پیش چشمان قوم به من حرمت گذاشته خواهد شد. لاویان ۱-۳:۱۰"

با مرگ دو پسر بزرگتر اهرون، مراسم شادمانی به تراژدی تبدیل شد. حکیمان تلمودی و تفسیرگران تورات چندین تفسیر دارند. ناداو و ابیهو از این روی مردند که وارد قدس الاقداس شدند؛ [1] آنها جامه‌های مناسب نپوشیده بودند؛ [2] آنها آتش را از آشپزخانه گرفتند و نه قربانگاه؛ [3] آنها با موسی و اهرون مشورت نکردند. [4] با یکدیگر هم مشورت نکردند. [5] برخی بر آنند که گناه آنها تکبر بوده و بیصبرانه منتظر رهبر شدن بودند [6] آنها ازدواج نکرده بودند، چون خود را بالاتر از این امور می‌دانستند. [7] برخی دیگر، مرگ آنها را مجازاتی دیررس برای گناهی در گذشته می‌دانستند، یعنی زمانی که در کوه سینا در پیشگاه خدا "خوردند و نوشیدند" (خروج ۹-۱۱:۲۴).

این تفسیرها بر اساس خوانش چهار بخش توراهاست که در آنها به مرگ ناداو و ابیهو اشاره می‌شود (لاویان ۲:۱۰؛ لاویان ۱:۱۶؛ اعداد ۴:۳؛ اعداد ۲۶:۶۱)، همچنین، به حضور آنها در پای کوه سینا برمی‌گردد. اینها هر یک تأملی عمیق هستند بر خطرهای شور و اشتیاق بیش از حد در زندگی دینی. اما ساده‌ترین شرح، همان است که در تورات آمده است. ناداو و ابیهو مردند زیرا آتش غیرمجاز یا "بیگانه" پیشکش کردند، یعنی "آتش" که دستور داده نشده بود. "برای درک اهمیت این نکته باید برگردیم به اصول اولیه و معنای کادوش یا مقدس را یادآور شویم و نیز معنای میقداش یا خانه‌ی امر مقدس را.

مقدس، آن بخش از زمان و مکان است که به جلال الهی اختصاص دارد. آفرینش دربردارنده‌ی پنهان کردن است. واژه‌ی عولام یا جهان از نظر واژگانی با واژه‌ی نَعْلَام به معنای پنهان در ارتباط است. خدا برای دادن بخشی از قدرت آفرینندگی خود به انسان، از جمله استفاده از زبان برای تفکر، ارتباط گیری، فهم، و تخیل آینده‌های ممکن و گزینش

میان آنها، باید کاری بیش از خلق انسان نوع هموساپینس می کرد. خدا باید حضور خود را پس می کشید (به بیان قبلائی ها: زیمزوم) تا فضا برای عمل انسان ها بگشاید. هیچ کار دیگری از این عمیقتر نمی تواند عشق و سخاوت نهفته در آفرینش را نشان دهد. خدا آن گونه که در تورات با او رویاروی می شویم، مانند والدی است که می داند اگر می خواهد فرزندانش مسئول و کارآمد باریابند، باید عقب بنشیند، امکان بدهد و از دخالت خودداری کند.

اما محدودیتی در میان است. یکسره پاک کردن خود توسط خدا معادل رهاکردن دنیا و تنها گذاشتن فرزندان خود می بود، که خدا چنین کاری نمی کند و نخواهد کرد. پس چگونه خدا اثری از حضور خود در دنیا باقی بگذارد؟

پاسخ تورات، فلسفی نیست. یک پاسخ فلسفی (پاسخی در جریان اصلی فلسفه را در نظر دارم، یعنی در فلسفه غرب که در دنیای باستان با افلاتون و در دنیای مدرن با دکارت آغاز شد) پاسخی جهانشمول خواهد بود، یعنی برای همه ی زمان ها و همه ی مکان ها. اما هیچ پاسخی برای تمام زمان ها و مکان ها صدق نمی کند. از این روی، فلسفه تضاد آشکار میان آفرینش الهی و اختیار آزاد انسانی و یا میان حضور الهی و دنیای تجربی را که درون آن می اندیشیم و گزینش و کنش می کنیم را هرگز نمی فهمد و نمی تواند دریابد. تفکر یهودی نقطه مقابل تفکر فلسفی است و تأکید دارد که حقایق دقیقاً در زمان ها و مکان های مشخصی تجسم یافته اند. زمان های مقدس وجود دارند (روز هفتم، ماه هفتم، سال هفتم و پایان هر هفتاد سال که سال یوول می شود). مردمان مقدس وجود دارند (فرزندان بنی اسرائیل در کل، و در میان آنها لوی ها و از میان آنها کوهنیم). همچنین، مکان مقدس وجود دارد (ایسرائل؛ درون آن یروشالاییم؛ درون آن معبد؛ در بیابان میشکان، بیت همیشداش و قدس الاقداس یا حرم درونی معبد).

مقدس، آن نقطه ای از زمان و مکان است که درون آن با حضور الهی از راه زیمزوم و اتصال انسان با خدا رویاروی می شویم. همان گونه که خدا از راه پس کشیدن و محدود کردن خود برای انسان مکانی می گشاید، انسان نیز با عمل محدودسازی خود برای خدا فضایی می گشاید. امر مقدس جایی است که خدا همچون حضوری مطلق تجربه می شود. این حضور نه اتفاقی، بلکه هدفمند است و می تواند از راه یکی شدن اراده ی انسان با نیت او تحقق یابد. این بدان دلیل نیست که خدا به انسان ارزش نمی دهد. برعکس، خدا بشریت را توانمند ساخته تا به "شریکان او در کار آفرینش" تبدیل شوند.

اما برای خدمت به هدف های خدا باید زمان ها و مکان هایی باشند که بشریت واقعیت حضور الهی را تجربه کند. آن زمان ها و مکان ها، پیروی مطلق را طلب می کنند. اساسی ترین اشتباه — همان اشتباه ناداو و ایهو — این است که قدرت

های متعلق به رویارویی انسان با دنیا را بخواهند در رویارویی انسان با خدا به کار بیندند. اگر ناداو و ایبهو در نبرد با شر و بیعدالتی، ابتکار به خرج می دادند، قهرمان می شدند. از آنجا که آنها ابتکار خود را در حریم مقدس به کار بستند، منحرف شدند. آنها در برابر حضور مطلق خدا، حضور خود را ارائه دادند. این یک پادگویی و تناقض بود. از این روی، آنها مردند.

وقتی خدا را هوسباز، حسود و خشمگین می پنداریم، منحرف می شویم: این اسطوره ای بود درباره ی یهودیت که مسیحیت اولیه گسترش داد تا خود را دین عشق و جایگزین خدای بیرحم، سختگیر و انتقام جوی "عهد عتیق" نشان دهد. وقتی که تورات خودش چنین زبانی به کار می برد، می خواهد به "زبان بنی آدم" سخن بگوید (براخت ۳۱ الف) - یعنی با زبانی که مردم بفهمند.

در حقیقت، تَنخ داستان عشقی است پیوسته - عشق پرشور آفریدگار به آفریده هایش که از پی همه ی خرابکاری ها و خیانت های تاریخ بشر، همچنان پابرجا می ماند. خدا از ما می خواهد که با او دیدار کنیم، نه از این روی که او به بشریت نیاز دارد، بلکه چون ما به خدا نیازمندیم. اگر قرار است تمدن، عشق، عدالت و احترام به اصالت آفرینش را دنبال کند، باید لحظه هایی باشد که طی آنها "من" خود را ترک می گویم و با تمامیت هستی در تمام شکوهمکندی آن دیدار کنیم.

کارکرد امر مقدس این چنین است - نقطه ای که در آن "من هستم" در حضور خیره کننده ی "وجود مطلق" خاموش می شود. این همان چیزی است که ناداو و ایبهو فراموش کردند - یعنی این که ورود به مکان یا زمان مقدس نیازمند خاکساری هستی شناختی و وحدت کامل میان عمل و نیت انسانی است.

اهمیت این کنش را نمی توان بیش از حد ارزیابی کرد. وقتی خواست خود را با خواست خدا اشتباه می گیریم، امر مقدس را که منشأ حیات است به امری نامقدس و منشأ مرگ تبدیل می کنیم. نمونه ی کلاسیک آن "جنگ مقدس" یا جهاد و جنگ صلیبی است که به گرایش تسخیر سرزمین های دیگر و تسلط بر مردمان دیگر لباس تقدس می پوشاند، چنان که گویی تسخیر، به انقیاد درآوردن و تغییر دین اجباری، خواست خدا بوده است.

داستان ناداو و ایبهو ما را به یاد هشدار می اندازد که پیشتر در روزهای قایل و هابیل بیان شد. نخستین کنش پرستش خدا به قتل انجامید. پرستش خدا مانند یک همجوشی هسته ای، انرژی تولید می کند که می تواند مثبت باشد، همچنین می تواند عمیقاً خطرناک از آب دریاید.

رویداد ناداو و ابیهو با سه گونه آتش نوشته شده است:

اولی از پیشگاه خدا بیرون جست و پیشکش سوختنی را سوزاند. لاویان ۹:۲۴

این آتش لطف بود که مراسم محراب را رونق بخشید. سپس "آتش غیرمجاز" آمد که دو پسر اهرن آنرا پیشکش کردند.

پسران اهرن، ناداو و ابیهو، آتشدان های خود را برگرفتند، در آنها آتش نهادند و عود افزودند؛ و آنها آتش

غیرمجاز به پیشگاه الهی آوردند که خدا به آن دستور نداده بود. لاویان ۱۰:۱

سپس آتشی بود که علیه آنها از آسمان ها فرود آمد:

آتشی از حضور الهی برجهید و آنها را سوزاند تا در پیشگاه خدا مردند. لاویان ۱۰:۲

پیام تورات ساده است و بسیار جدی: دین، آن چیزی نیست که روشنگری اروپا آینده اش را این گونه تصور کرد:

خاموش شده، حاشیه ای و بیرنگ. بلکه آتش است و مانند آتش گرم می کند، اما همچنین می سوزاند. و ما نگهبانان

این شعله هستیم.

شبات شالوم

[1] Midrash Tanchuma (Buber), parshat Acharei Mot 7.

[2] [Leviticus Rabbah 20:9](#).

[3] Midrash Tanchuma, ad loc.

[4] Yalkut Shimoni, I:524.

[5] MidrashTanchuma, ad loc.

[6] Aggadah (Buber), Vayikra10.

[7] [Leviticus Rabbah 20:10](#).

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



[www.RabbiSacks.org](http://www.RabbiSacks.org)

[f](#) [t](#) [@](#) [v](#) @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • [info@rabbisacks.org](mailto:info@rabbisacks.org)

© Rabbi Sacks • All rights reserved